

روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر: مطالعه تطبیقی دوره دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی

حسن یوسفی^۱

حسن خداوردی^{*۲}

گارینه کشیشیان سیرکی^۳

چکیده

۱۸۷ بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مصر و تأثیرات آن می‌تواند به تدوین راهبردهایی در روابط خارجی در دولت‌های مختلف کشورمان کمک کند و شرایط را برای رفع مشکلات و نقایص احتمالی فراهم آورد. پس از بیداری اسلامی دولت‌هایی در مصر روی کار آمدند که بر روابط با ایران تأثیرگذار بودند. در این پژوهش سعی شده است تا با نگاهی سازه‌انگارانه به روابط ایران و مصر، سیاست خارجی کشورمان در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و به این سؤال پاسخ داده شود که روابط ایران و مصر بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ چگونه بوده؟ و با چه راهبری می‌توان مشکلات موجود را در روابط دو جانبه برطرف کرد؟ در پاسخ باید گفت؛ در دولت موسوم به عدالت محور احمدی‌نژاد، درگیر بودن در برخی تنش‌های داخلی و فقدان رویه‌ای ثابت در سیاست خارجی و در دولت موسوم به اعتدال‌گرا روحانی، تمایل بیش از حد به روابط با غرب و درگیر بودن با برجام، توسعه روابط را با کشورهایی مانند مصر کند کرد و زمینه‌های تاریخی، اشتراکات فرهنگی و سیاسی به همراه فرصت شکل گرفته از قیام مردمی در این کشور نیز نتوانست به این روابط کمک چندانی بکند. هدف این مقاله کنکاش دریافتن دلایل بروز مشکلات در روابط دو کشور و ارائه راهبردی برای حل این مشکل است. در این پژوهش با اتکا به روش (SWOT) این نتیجه حاصل شد که برای بهبود روابط با مصر می‌توان از راهبرد «رقابتی یا تنوع بخشی» (ST) استفاده کرد. **واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، عدالت محور، اعتدال‌گرا، جمهوری اسلامی ایران، مصر

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

* hakhodaverdi@gmail.com

مسئول)

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و هفت، صص ۲۱۹-۱۸۷

مقدمه

در تاریخ فرهنگ و تمدن بشری، ایران و مصر از جایگاه بسیار مهم و ویژه‌ای برخوردارند و هنوز در حافظه تاریخی ملل، نام ایران و مصر یادآور شکوه، جلال و جهان‌گشایی است. این دو کشور قدرتمند و با پیشینه تاریخی طولانی با شمار می‌روند که از لحاظ جغرافیایی، دو گذرگاه راهبردی، یعنی تنگه هرمز در خلیج فارس و کانال سوئز در دریای سرخ در قلمرو هر یک از این کشورها قرار دارد. مصر نیز از نظر مانند کشورهای آمریکا، روسیه، چین، عربستان و .. در زمره کشورهای تاثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. در حال حاضر نیز ایران و مصر دو ستون اصلی جهان اسلام به شمار می‌روند و نزدیکی آنها به یکدیگر یا هماهنگی سیاسی بین آنها می‌تواند تأثیرات مثبت و مطلوب بر روند تحولات منطقه و جهان اسلام داشته باشد. تعامل سیاسی ایران و مصر در طول تاریخ را می‌توان بر مبنای رابطه‌ای مستمر و درعین حال رقابت آمیز توصیف کرد. این واقعیت ناشی از نقش بی‌بدیل ایران در خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و نقش بی‌بدیل مصر در جهان عرب و شمال آفریقا دانست. اما زمینه‌های گسترده برای توسعه روابط میان ایران و مصر به دلایل مختلف بیشتر از همگرایی به واگرایی منجر شده است. این موضوع با کمی فراز و نشیب در دولت‌های نهم و دهم به ریاست محمود احمدی‌نژاد و دولت‌های یازدهم و دوازدهم به ریاست حسن روحانی به خوبی قابل مشاهده است.

۱. چارچوب نظری

سازهانگاری از جدی‌ترین مکاتب معرفت‌شناختی در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است که علی‌رغم ریشه‌های فلسفی دیرینه در نیمه دوم دهه پایانی قرن بیستم و نیمه اول دهه آغازین قرن بیست و یکم مورد توجه فیلسوفان، تأویل‌گرایان و اندیشمندان عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی قرار گرفته است. سازهانگاری با نفی برداشت‌های خردگرایانه، نئورالیسم و نئولیبرالیسم، دیدگاهی منطقی و اجتماعی به سیاست‌های جهانی ارائه می‌دهد که بر اهمیت ساختارهای تجاری، مادی و نقش هویت در ساخت منافع، کنش‌ها و تکوین متقابل ساختار و کارگزار تأکید می‌کند (عسگرخانی

و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۵). این رهیافت چارچوبی برای تحلیل روابط بین‌الملل در میانه رویکرد واقع‌گرایی و لیبرالیسم و تلاشی در حوزه فرانظری در میانه دو طیف اثبات-گرایان و پساساختارگرایان است. سازه‌نگاران جهان را چیزی تلقی می‌کنند که ساخته و ابداع شده است به چیزی که بتوان آن را مسلم، طبیعی و با موجودی از قبل داده شده فرض کرد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵). ونت مشکل نظریه‌های ساختاری را درنگاه هستی-شناختی تقلیل‌گرایانه (نواقع‌گرایی) و ساختارگرایانه (نظام جهانی) می‌بیند. او بر آن است که ساختارگرایی نواقع‌گرایان در بعد هستی‌شناسی، در واقع ساختارگرا نیست، بلکه ساختار نظام بین‌الملل را با تعریف آن بر مبنای واحدهای تشکیل دهنده به این واحدها (یعنی دولت‌ها) تقلیل می‌دهد و بنابراین تقدم هستی‌شناختی در آن با کارگزارها (یعنی دولت‌ها) است. در مقابل در نگاه ساختارگرایانه نظام جهانی که در نظریه امانوئل والرشتاین دیده می‌شود دولت‌ها به ساختار وجه ثانویه می‌بایند، زیرا این ساختار است که به آنها، به عنوان واحد، قوام می‌بخشد (ونت، ۱۹۸۷: ۶۷). به اعتقاد وی سازه‌انگاری یک تئوری اجتماعی مبتنی بر این فرض است که کنشگران اجتماعی به طور اجتماعی ساخته می‌شوند و آنچه ما تحت عنوان دولت یا منافع ملی می‌شناسیم، نتیجه هویت‌های اجتماعی کنشگران است (دورتی و فالترزگراف، ۲۰۰۱: ۱۶۶).

هویت یک مفهوم کلیدی در نظریه سازه‌انگاری است، به ویژه اینکه می‌توان ساختارها و عمل سیاسی یک کشور را از طریق مراجعه به هویت آن کشور توضیح داد (کریمی‌فرد، ۲۰۱۲: ۲۴۰). سازه‌نگاران معتقدند که انسان‌ها بر اساس هویت زمینه‌مند خود دنیای اطرافشان را می‌سازند و به کنش در آن می‌پردازند، دولت نیز به عنوان یک موجود مشارکت‌کننده در عرصه‌های بین‌المللی نمی‌تواند با بی‌توجهی به هنجارهای مسلط اهداف خود را پیگیری کند. آنها معتقدند که فراسوی توزیع عینی قدرت، تصور و تلقی کشورها از قدرت دیگران است که یک ملت را قادر به تعامل با محیط خود می‌کند، این جهان برساخته شده که دارای دلالت‌های ارزشی است اقدامات دولت‌ها را شکل می‌دهد، خود دولت‌ها نیز برساخته‌های اجتماعی‌اند که در این ذهنیت جمعی

مشارکت دارند و جهان را با این ذهنیت درک می‌کنند (ویلمر، ۲۰۰۲: ۵۹). یکی از اصول بنیادین در سازه‌نگاری این است که افراد در مقایسه با سایر کنشگران بر پایه ادراکی که از آنها دارند عمل می‌کنند و توزیع قدرت بر محاسبات دولت‌ها تأثیرگذار است، اما چگونگی اقدام بستگی به درک و انتظارات متقابل از خود و دیگری دارد. بنابراین در رابطه با قدرت و توزیع آن درک و برداشت طرفین از یکدیگر مهم است و دولت‌ها منافع خود را در فرایند تعریف وضعیت خود و دیگری پیدا می‌کنند (فوکر، ۲۰۰۰: ۴۴). بنابراین از منظر سازه‌نگاران هویت‌ها و برداشت‌های ذهنی یک دولت از دولت‌های دیگر است که به قدرت شکل می‌دهد (گازینی، ۲۰۰۵: ۳۳). سازه‌نگاران به مسأله ساختار - کارگزار و دولت اهمیت می‌دهند و بازیگر اصلی نظام بین‌الملل را همانند واقع‌گرایان، دولت می‌دانند، بنابراین این دولت‌ها هستند که تعاملگر اصلی در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند. به نظر گازینی و همچنین مکلتاش، سازه‌نگاران با تأکید بر مسأله هستی‌شناختی، معرفت‌شناسی و تفاوت در برداشت و انگاره‌ها از یکدیگر، متفاوت از سایر نظریات روابط بین‌الملل هستند (مک‌اینتاش، ۱۹۹۷: ۵۳).

در برداشت سازه‌نگارانه از ساختار بین‌المللی، ساختار هم منابع و هم قواعد را شامل می‌شود. بنابراین، استفاده از منابع و توانمندی‌ها در چارچوبی معنایی صورت می‌گیرد. بنابراین دیده می‌شود که سازه‌نگاران دو وجه مادی و معنایی را در تعریف خود از تمامی مسائل مرتبط با سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی در نظر می‌گیرند. آدلر به خوبی این مسأله را در تعریف خود از سازه‌نگاری جمع کرده است. او سازه‌نگاری را دیدگاهی می‌داند که نشان می‌دهد چگونگی شکل دادن جهان مادی به کنش انسانی و شکل گرفتن جهان مادی توسط کنش و تعامل انسانی وابسته به تفاسیر پویای هنجاری از جهان مادی است. این به معنای نقش جهان مادی در برساختن جهان اجتماعی است (آدلر، ۱۹۹۷: ۳۲۳). از منظر سازه‌نگارانه تحلیل رایج سیاست خارجی تلقی‌ایستایی از کارگزار دارد و تنها بر تأثیر محیط داخلی بر شکل‌گیری تصمیمات آن نظر دارد و هستی‌شناسی بدیل سازه‌نگاری ضمن باور به تکوین متقابل ساختار کارگزاری این نکته

را بیان می‌کند که اگر ساختار امری برآمده از کنش متقابل بازیگران و کارگزاران است هر یک از آنها بر اساس هویت‌های خود دست به عمل می‌زنند. از این روست که اسمیت به تأسی از ونت که گفته بود آناشری چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند (ونت، ۱۹۹۴: ۴۲۵-۳۹۱). در باب سیاست خارجی سازه انگارانه مدعی است که سیاست خارجی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند (اسمیت، ۲۰۰۱: ۳۸-۳۳) و از این نظریه در این مقاله به عنوان چارچوب نظری استفاده خواهد شد.

۲. روش تحلیل SWOT

تحلیل SWOT یا نمودار SWOT از مشهورترین ابزارهای تحلیل استراتژیک است و برخی از آن به عنوان سنگ‌بنای اصلی تحلیل استراتژیک یاد می‌کنند. این تکنیک که به عنوان تحلیل سوات یا اس دبلیو او تی نیز خوانده می‌شود نمایانگر فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط ضعف و نقاط قوت سازمان است. SWOT با استفاده از ارزیابی چهار موضوع در بررسی پدیده، مسائل و تحولات راهبردی استخراج می‌شود که شامل: (تهدید) Threat - (فرصت) Opportunity - (ضعف) Weakness - (قوت) Strength می‌شود.

SWOT یکی از ابزارهای برنامه ریزی استراتژیک است که برای ارزیابی وضعیت داخلی و خارجی یک سازمان استفاده می‌شود. از این روش علاوه بر برنامه ریزی راهبردی، بطور کلی در تحلیل وضعیت سازمان‌ها استفاده می‌شود. در واقع این تحلیل را باید ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی درونی سازمان بدانیم، پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک و همین‌طور بازاریابی است. (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۰)

۱-۲- نقاط قوت (Strength) در این بخش نقاط قوت یک بازیگر، از قبیل مسائل، بنبه‌ها و توان‌های داخلی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مثال: در خصوص ایران، وضعیت ژئوپولیتیک، انرژی، توان موشکی و پیشینه تمدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

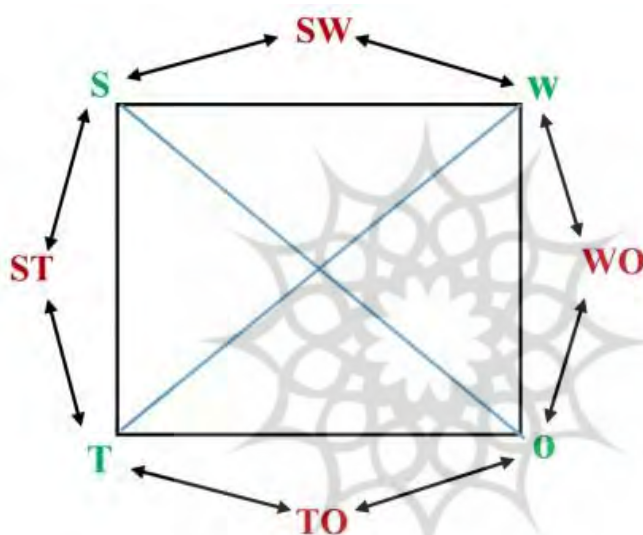
۲-۲- نقاط ضعف (Weakness) در این بخش مواردی از قبیل شکاف بین مسئولان، نابسامانی‌های اقتصادی و یا سرخوردگی‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۳- فرصت‌ها (Opportunity) فرصت‌ها برون‌زا هستند. در این بخش فرصت‌های پیشروی یک بازیگر بررسی می‌شود. در خصوص ایران می‌توان به جنگ عربستان و

یمن، محاصره قطر توسط عربستان، شکست داعش در سوریه، تقویت محور مقاومت و یا به کودتای ترکیه اشاره نمود.

۲-۴- تهدیدها (Threat) تهدیدات درون‌زا هستند. در این بخش تهدیدها پیشروی یک بازیگر بررسی می‌شود. مثال: در خصوص ایران می‌توان به، خطر حمله نظامی آمریکا به این کشور، خطر حمله نظامی اسرائیل، تهدید داعش، تهدیدات فرهنگی ماهواره‌ها و غیره اشاره نمود.

نمودار شماره: ۱



در روش تحلیل SWOT مسائل درونی مهمتر از مسائل بیرونی هستند. تهدیدها و فرصت‌ها جزء مسائل بیرونی و نقاط قوت و نقاط ضعف جزء مسائل درونی هستند. (دهشیری، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۲) در این پژوهش تلاش خواهد شد با استفاده از داده‌های به دست آمده از روابط جمهوری اسلامی ایران با مصر و با به کارگیری روش تحلیل SWOT زمینه برای استخراج نوعی از راهبرد یا راهبردها برای بهبود یا ارتقاء روابط با این کشور فراهم شود.

۳. پیشینه پژوهش

ابراهیمی در مقاله‌ای در سال ۱۴۰۰ در فصلنامه مطالعات قدرت نرم تحت عنوان «کالبد شکافی نقش قدرت نرم و دیپلماسی رسانه‌ای در تامین امنیت ملی ج.ا.ایران: مطالعه موردی بیداری اسلامی» تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد ج.ا.ایران به عنوان مهم-ترین کشور تأثیرگذار در شکل‌گیری موج عظیم تحولات جهان عرب، چگونه و از طریق چه ابزاری باید سیاست خارجی خود را تنظیم نماید تا حداکثر بهره‌برداری را از جریانات کنونی به سود گسترش هر چه بیشتر نفوذ، منافع، آرمان‌ها، ارزش‌های اسلامی و در مجموع افزایش ضریب امنیت ملی خود ببرد و همچنین مانع از منحرف ساختن بیداری اسلامی از مسیر اصلی خود و مصادره این حرکت‌های مردمی و اسلامی از سوی ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا گردد. تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر در نگاه به تحولات بیداری اسلامی است. درحالی که در این مقاله به صورت کلی به تحولات بیداری اسلامی در چارچوب منافع جمهوری اسلامی ایران نگاه می‌شود، در پژوهش حاضر به صورت خاص به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دولت‌های آقایان احمدی‌نژاد و روحانی در قبال مصر توجه شده است. عظیمی دولت آبادی در مقاله در سال ۱۳۹۹ تحت عنوان «تأثیر فرایند توسعه اقتصادی-اجتماعی بر وقوع انقلاب‌ها: مطالعه تطبیقی تاریخی انقلاب‌های ایران، تونس، مصر، لیبی و یمن» در مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران تلاش می‌کند به مکاشفه علل شکل‌گیری انقلاب‌ها در کشورهای اسلامی بپردازد. او در این مقاله می‌گوید: علیرغم اهمیت فرایند، گستره و سرعت توسعه اقتصادی-اجتماعی در وقوع انقلاب‌ها، این شرط علی‌نمی‌تواند تمایزی روشن میان کشورهایی که در آن‌ها انقلاب رخ داده و آنهایی که رخ نداده است (در اینجا مراکش و الجزایر) ایجاد کند. چرا که در بسیاری از شاخص‌های ده گانه توسعه اقتصادی-اجتماعی، که در این تحقیق مورد سنجش قرار گرفته‌اند، وضعیت کشورهایی-که در آن‌ها انقلاب رخ نداده است. تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر در این است که پژوهش حاضر به روابط ایران با مصر در مقطعی خاص توجه می‌کند، درحالی که در این مقاله به تحولات بیداری اسلامی و شباهت‌های انقلاب در کشورهای شمال آفریقا با

انقلاب اسلامی ایران توجه می‌کند. غریب‌زندی در کتابی در سال ۱۳۹۸ با عنوان «بیداری اسلامی و تحولات سیاسی اجتماعی در غرب آسیا و شمال آفریقا» با تأکید بر نقش ارتش‌ها به بررسی قیام مردمی در این مناطق می‌پردازد. در این کتاب که در انتشارات دانشکده علوم و فنون فارانی به چاپ رسیده به نقش حیاتی ارتش در اعتراضات در کنار سایر عوامل اشاره می‌کند. نویسنده می‌خواهد به این نتیجه برسد که ارتش در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا نقش بسیار مهمی از زمان استقلال این کشورها داشته است و در تحولات جدید در این کشورها نیز به نوعی نقش آفرینی کرده است. این کتاب تفاوت‌های آشکاری با پژوهش حاضر دارد، چراکه در این پژوهش برخلاف کلی‌نگری در کتاب مورد اشاره، به صورت اختصاصی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای تونس، مصر و لیبی پرداخته می‌شود.

فرهاد درویشی سه تالانی و همکاران در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل تأثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و مصر (۱۳۹۲-۱۳۵۷)» که در فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام به چاپ رسید، تلاش دارد عوامل مؤثر در واگرایی روابط ایران و مصر را در سطوح متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شناسایی و وزن‌گذاری کند. این پژوهش با مقاله مورد اشاره تفاوت آشکاری دارد چراکه به دو دوره زمانی متفاوت اشاره می‌کنند.

محمد مسجد جامعی در کتابی در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان «ایران و جهان عرب: تحولات عربی و ژئوپلیتیک ایران» که در انتشارات اطلاعات به چاپ رسانده، با اشتراکات، مسائل و مشکلات میان ایران و کشورهای عربی می‌پردازد. وی در این راه به تحولات عربی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک ایران نگاهی تحلیلی می‌کند و دلایل شکل‌گیری این تحولات را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با کتاب مورد اشاره تفاوت‌های آشکاری دارد، بخصوص آنکه به صورت اختصاصی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مصر را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. احمدزاده در شماره چهارم فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی در سال ۱۳۸۸ در مقاله‌ای تحت

عنوان « بررسی چالش‌های ساختاری در روابط مصر و ایران » سعی می‌کند موانع و مشکلات ساختاری در روابط ایران و مصر از منظر رویکردهای امنیتی و متضاد دو کشور به مسائل منطقه و تأثیرپذیری از روابط قدرت‌های خارجی بررسی و تبیین شود. اما تفاوت آن با پژوهش حاضر در نوع زمانبندی و توجه ویژه به مصر است. در پژوهش حاضر مقایسه سیاست خارجی دو دوره به ریاست آقایان احمدی‌نژاد و روحانی مورد توجه قرار گرفته است که تفاوت آشکاری با مقاله فوق دارد.

۴. مصر سرزمین فراغنه

مصر کشوری است در شمال آفریقا که از غرب با لیبی، از جنوب با سودان و از شرق با فلسطین همسایه است. مصر کمی بیش از یکصد میلیون نفر است که یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای قاره آفریقا به شمار می‌رود. تاریخ طولانی این کشور سبب شده که آثار باستانی زیادی در آن وجود داشته باشد. معروفترین این آثار اهرام ثلاثه هستند که به عنوان یکی از عجایب هفتگانه جهان شناخته می‌شوند. این کشور در سال ۱۹۱۴ تحت سلطه انگلیس درآمد، اما سرانجام در سال ۱۹۲۲ استقلال خود را به دست آورد. در سال ۱۹۵۳ برقراری حکومت جمهوری در مصر رسماً اعلام شد. حکومت در این کشور جمهوری است و رئیس آن رئیس جمهور است. رئیس جمهور هر شش سال یک بار با رای مردم انتخاب می‌شود. (عطیه، ۲۰۱۸: ۵-۶) شورای مردمی که در مصر با نام مجلس الشعبی از آن یاد می‌کنند ۴۵۴ کرسی دارد که ۴۴۴ نماینده آن با رای مردم و ۱۰ نماینده با رای رئیس جمهور تعیین می‌شوند. دوره نمایندگی این مجلس پنج ساله است. مجلس مشورتی یا الشورا تنها نقش مشورتی دارد. این مجلس از ۲۶۴ نماینده که ۱۷۴ نفر از آنها با رای عمومی و ۸۸ نفر از آنها با نظر رئیس جمهور تعیین می‌شوند، تشکیل شده است. (شعبان، ۲۰۱۲: ۴۸) در بخش اقتصادی مصر همچنان اقتصادی غیرآزاد دارد و شاخص آزادی اقتصادی این کشور در سال ۲۰۲۱، که علاوه بر عواملی چون آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی کسب و کار تابع عواملی چون کارآمدی قضایی نیز هست، در میان کشورهای جهان در رتبه ۱۳۰ و در میان ۱۴ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا که در این بررسی حضور داشتند در رتبه ۱۱ قرار گرفته است. بخش‌های اصلی اقتصاد این کشور را نیز می‌توان در کشاورزی، صنعت، توریسم و

هیدروکربن‌ها دید که در مجموع بیانگر تصویری از یک اقتصاد متنوع است. با وجود تلاش‌هایی که در دهه‌های گذشته برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی از جمله در صنعت توریسم در اقتصاد مصر صورت گرفته است، شرایط زندگی فقیرانه و فرصت‌های شغلی کم به نارضایتی‌های گسترده‌ای در این کشور منجر شد که در وقوع انقلاب ۲۰۱۱ مصر و سقوط حسنی مبارک نقش مهمی ایفا کردند. در این ارتباط شایان توجه است که بعد از انقلاب ۲۰۱۱ نیز تا چند سال، به ویژه تا سال ۲۰۱۶، به علت عدم ثبات مناسب سیاسی و اقتصادی بهبود خاصی در شرایط اقتصادی این کشور، از جمله در بیکاری جوانان که مسئله‌ای مهم برای اقتصاد مصر بوده است، رخ نداد. (cia.gov, 2022: 4) مصر از سال ۲۰۱۶ دست به اصلاحات اقتصادی زد که مهم‌ترین نمود آن در برنامه‌ای است که به دنبال توافق با صندوق بین‌المللی پول برای دریافت وام ۱۲ میلیارد دلاری در ۳ سال صورت گرفت. اما نکته حائز اهمیت در اینجا است که لازمه دریافت این وام اصلاحاتی در اقتصاد مصر بوده است. به طور مشخص، مصر نرخ ارز را شناور کرد و دست از ثابت نگه داشتن مصنوعی ارزش دلار برداشت؛ مالیات‌هایی جدید وضع و بسیاری از یارانه‌های انرژی را حذف کرد. این اقدامات البته بدون هزینه نبود. برای نمونه، می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که نرخ تورم مصر در سال ۲۰۱۷ به حدود ۳۰٪ رسید. با این حال، اصلاحات ساختاری چند سال اخیر در اقتصاد مصر ثبات ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که حتی علی‌رغم پاندمی کرونا، مصر در کنار چین جز معدود کشورهایی بوده که موفق شده است رشد اقتصادی مثبت خود را حفظ کند و از رکود اقتصادی جلوگیری کند. البته این به معنای آن نیست که کرونا تأثیری منفی بر اقتصاد مصر نگذاشت و این امر نیز در کاهش نرخ رشد اقتصادی مصر نسبت به روندی که پیش از پاندمی کرونا شکل گرفته بود مشخص است. (نمودار شماره ۳) همچنین تأثیر کرونا در کسری تجاری مصر نیز خود را به وضوح نشان داده است. در واقع، از ماه مارس ۲۰۲۰ صنعت توریسم مصر به نوعی تعطیل شده بود و سایر بخش‌های اقتصاد نیز تحت تأثیر پاندمی کرونا کندتر از قبل حرکت می‌کردند و در نتیجه این‌ها کسری تجاری مصر در ماه مارس سال ۲۰۲۱ نسبت به سال پیش ۹٪ افزایش داد و به عدد ۳۰/۶ میلیارد دلار رساند. (Saba, 2022: 1) تاریخ معاصر مصر را می‌توان با نام یک نفر بیشتر از

سایرین عجین دانست و آن کسی نیست جز حسنی مبارک، او فردی بود که با سابقه درخشان نظامی به معاونت انور سادات رسید و پس از ترور وی، بیش از ۳۰ سال رئیس جمهور این کشور بود. با شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی در کشورهای شمال آفریقا که از تونس شروع شده بود، جرقه تغییر حکومت مبارک در مصر، زد شد. این موج، بیش از هر چیز نشانی از بحرانی اجتماعی در درون جوامع عربی داشت که پس از سال‌ها از میان شد، بطوریکه بسیاری آن را یک «زلزله سیاسی» که پس از سال‌ها انرژی ذخیره شده خود را آزاد می‌ساخت و رژیم‌های عربی را دچار بحران و آسیب پذیری می‌کرد، نامیدند. همانطور که اسکاچپول نیز معتقد است: در صورت تحقق شرایط مناسب، آسیب پذیری دولت در نهایت می‌تواند به «انقلاب اجتماعی» ختم شود که عبارت است از گذار سریع و بنیادین دولت و تغییر در ساختار طبقاتی جامعه» (اسکاچپول، ۱۳۷۶):

(۲۱)

مصر نیز از این قاعده مستثنی نبود و طولی نکشید که اعتراضات گسترده از شهر قاهره به سراسر این کشور گسترش یافت. در طول مدت ۳۰ ساله ریاست جمهوری حسنی مبارک در مصر عوامل متعددی همچون محدودیت دایره قدرت، ضعف در چرخش نخبگان سیاسی، انسداد مجاری تحرک اجتماعی و سیاسی، فساد گسترده دولت و دستگاه حاکم، افزایش شکاف طبقاتی و افزایش آگاهی به آن و افزایش بیکاری و فقر منجر به فعال شدن بحران‌های مشروعیت، کارایی و سلطه در سطح قدرت دولتی و در نتیجه گسترش نارضایتی در سطح جامعه شدند. (مسعودنیا، ۱۳۹۱: ۱۹۱)

سرانجام اعتراضات عمومی نتیجه داد و در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ مبارک استعفا داد. از زمان سقوط مبارک، تا روی کار آمدن سیسی هیچ جریانی در مصر موفق به تشکیل دولت فراگیر و یادوام نشد. انتخابات مجلس اولین قدم‌ها در این مسیر محسوب شد. اواخر سال ۲۰۱۱ و اوایل سال ۲۰۱۲، حزب آزادی و عدالت، از شاخه‌های اخوان المسلمین، اکثریت کرسی‌ها را در انتخابات مجلس کسب کرد. پیروزی محمد مرسی نامزد اسلام‌گرایان در جریان انتخابات ریاست جمهوری این کشور در ژوئن ۲۰۱۲ جشن اخوان المسلمین را کاملتر کرد. (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۶)

هر چند ارتش به ظاهر پس از هفده ماه قدرت غیرنظامی را به ارکان غیرنظامی واگذار کرد، اما مرسی که رقیب سوم (غربگرایان) را کنارزده می‌پنداشت به اقداماتی برای ایجاد محدودیت بیشتر در فعالیت‌های ارتش دست زد. برخلاف شعار اخوان المسلمین که بر سازگاری اسلام و دموکراسی استوار بود، دولت مرسی با مخالفان از زاویه خشونت درآمد، چنانکه شاخه شبه نظامیان اخوان، تجمع کنندگان در مقابل کاخ ریاست جمهوری را مورد حمله قرار داده و به استودیو و شبکه تلویزیونی منتقد دولت حمله کرد. (گراوند، ۱۳۹۵: ۱۴۲) این گونه اقدامات موجب شد مخالفان از اصطلاحاتی نظیر «دیکتاتوری حزبی یا فرعون مصر» یا «مرسی مبارکی دیگر» استفاده کنند و به افکار عمومی بقبولانند که مرسی رئیس جمهور مردم مصر نیست، بلکه رئیس جمهوری است که در خدمت اخوان المسلمین و سران آن است. (روستایی، ۱۳۹۷: ۱۰۴)

با افزایش اعتراضات به سیاست‌های دولت مرسی، ارتش مانند آنچه در دوران مبارک روی داد، روند تحرکان خود را تکرار کرد، چنانکه وقتی نیروهای سیاسی در منازعه قدرت خود مستأصل شده و از دخالت ارتش استقبال می‌کردند، ارتش نیز وارد صحنه شد و در غیاب نهادهای با تجربه دموکراتیک، تنها نهادی بود که خود را تحت عنوان ناجی ملت و حامی ملت نشان داد. (پورحسن، ۱۳۹۵: ۶۳) اعتراضات علیه دولت مرسی گسترش یافت و وی در ژوئیه ۲۰۱۳ در جریان اعتراضات داخلی به وسیله ارتش از کار برکنار و عدلی منصور، رییس دادگاه قانون اساسی مصر به عنوان رییس جمهور دولت انتقالی برای برگزاری انتخابات زودهنگام تعیین شد. ژنرال السیسی وزیر دفاع مصر نیز با هدف حضور در عرصه نامزدی انتخابات ریاست جمهوری از سمت خود استعفا و رسماً به عنوان یکی از دو نامزد ریاست جمهوری پا به عرصه انتخابات گذاشت. این موضوع بار دیگر نقش مهم ارتش را در صحنه قدرت در مصر به نمایش گذاشت. (امام‌جمعه زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۷)

نیت قدرت گرایانه ارتش هنگامی محقق شد که غالب جریان‌های سیاسی در مصر، به شدت به ارتش و کاندیدای آن متمایل شدند، شیخ الازهر، محمد البرادعی، سلفی‌های مصر، ارتش مصر، احمد شفیق و حسنی مبارک از اقدام السیسی برای برگزاری انتخابات و نامزدی او حمایت کردند. (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۵) شرایط شکننده اجتماعی،

سهم‌خواهی فزاینده گروه‌های مختلف از قدرت، دست‌اندازی کشورهای غربی در تحولات مصر و بویژه کم‌تجربگی و در برخی موارد ناکارآمدی اخوان‌المسلمین و شخص مرسى روند تحولات مصر را دگرگون ساخت. (طباخی ممقانی، ۱۳۹۳: ۸۲)

سیسی پس از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۱۳ گروه «اخوان المسلمین» را یک گروه تروریستی نامید و دادگاه این کشور بیشتر رهبران آن را محاکمه کرد که برخی از آنها به اعدام و برخی دیگر به حبس ابد محکوم شدند. ارتش در ادامه تسلط خود بر امورات مصر، همچنان مدعی اصلی قدرت باقی ماند. اما چرا ارتش در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرا در مصر موفق است. چونکه برخلاف اسلام‌گراها این ارتش بود که علاوه بر اینکه بر پیچیدگی امر سیاسی آگاهی داشت، از نفوذ اقتصادی برخوردار بود. یکی از ابعاد مهم نقش آفرینی ارتش در بحران مصر به تلاش ارتش برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی و همچنین جایگاه خاص و مستقل آن در تحولات این کشور مربوط بوده است. (مرادپور و نائیج ۱۳۹۷: ۱۳۳)

۵. روابط ایران و مصر

مناسبات ایران و مصر از قدمت تاریخی طولانی برخوردار است و سابقه آن به دوران پیش از میلاد مسیح و به دوران حکومت هخامنشی باز می‌گردد. (خسروشاهی، ۱۳۸۷: ۳۷) کمبوجیه پسر کوروش با لشکر کشتی به «ممنیس» پایتخت مصر، این کشور را به قلمرو هخامنشی ضمیمه کرد و سپس تلاش کرد تا بین مصر و ایران اتحاد برقرار کند. با ظهور اسلام این دو حوزه تمدن بشری به تصرف آن در آمد و ایران و مصر به دو جناح شرقی و غربی تمدن اسلامی تبدیل شدند یکی از جنبه‌های قابل بررسی در روابط ایران و مصر در دوران اسلامی تأثیر جنبش‌های دینی سیاسی و حرکت‌های فکری- فرهنگی ایران بر مصر است (علیزاده ۱۳۸۷: ۲۲)

چنانچه فرقه اسماعیلیه که از دوره سامانیان در ایران به وجود آمد، با تشکیل نهضت فاطمیان شیعی مذهب، بر احوالات سیاسی و اجتماعی مصر اثر گذاشت. در دور قاجاریه، اصلاحات در مصر توجه رجال ایرانی را برمی‌انگیخت؛ به عبارتی جنس اصلاحات در دو کشور شبیه یکدیگر بود. (ادریس، ۲۰۰۲: ۲۸) قاهره از دو جهت برای ایرانیان اهمیت داشت: اول اینکه در مسیر اروپا واقع بود و برخی از رجال و تجار

ایرانی برای ورود به فرنگ از این شهر و بندر اسکندریه عبور می‌کردند؛ و دوم، مصر در مسیر حج قرار داشت و مسیری امن بود. به عبارتی «مصر از لحاظ مادی و معنوی به نقطه تماس شرق و غرب تبدیل شده بود. (صبری، ۱۴۱۷: ۵۷)

آغاز روابط دیپلماتیک میان ایران و مصر را می‌توان همزمان با تردد قابل توجه مسافران و اتباع ایرانی در مصر پی‌گیری کرد. در سال ۱۲۸۶ ق یکی از کارمندان سفارت ایران در استانبول بنام میرزا رضا خان افشار به عنوان «باش شهبندی» ایران روانه قاهره شد و تا ۱۲۹۰ ق. این مقام را بر عهده داشت. مکاتبات با مرکز با سربرگ «کارپردازی مخصوص اعلیحضرت ناصرالدین شاهنشاه ایران در مصر» صادر می‌شد. با توجه به حضور گسترده اتباع ایرانی در مصر، دولت تصمیم گرفت در شهرهایی از جمله اسکندریه، سوئز، پورت سعید و منصوره نیز دفتر کارپردازی تأسیس کند و از معتمدین محلی افرادی را به عنوان کارپرداز دولت ایران به این کار بگمارد. (چگینی، ۱۳۹۲: ۱۲۵)

مصر در زمستان ۱۳۰۰ ه.ش استقلال خود را از انگستان به دست آورد. ایران بلافاصله استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و سرکنسولگری خود را در قاهره به سفارت ارتقاء بخشید. سفارت ایران در قاهره تا هنگام انقراض سلسله قاجار در ۱۳۰۴ فعال نبود، اما پس از آن و در پی تاجگذاری رضاشاه اولین قرارداد مودت میان دو کشور در سال ۱۳۰۷ منعقد شد. (پندار، ۱۳۸۸: ۳۲۹)

مناسبات رضاشاه با حکومت ملک فواد و ملک فاروق در مصر صمیمی بود و در اواخر قرن بیستم، ازدواج فوزیه خواهر ملک فاروق با محمدرضا پهلوی به استحکام روابط تهران و قاهره کمک کرد. در همان زمان مصر برای الحاق به پیمان سعدآباد که در ژوئن ۱۹۳۷ میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان منعقد شده بود ابراز تمایل کرد، اما فشار دولت انگلیس، قاهره را از این عمل منصرف ساخت. (احمدی، ۱۳۷۹: ۴۵)

روابط دو کشور پس از جنگ جهانی دوم چندان تحت تأثیر جدایی فوزیه و محمدرضا شاه قرار نگرفت، اما با کودتای افسران آزاد به رهبری نجیب و عبدالناصر و تغییر نظام سیاسی از یک نظام سلطنتی طرفدار غرب به یک جمهوری متمایل به شرق، دوران تیره روابط دو کشور آغاز شد. تأکید مصر بر پان عربیسم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عملاً

ایران را به چالش کشید. طرفداری ایران از رژیم صهیونیستی، تبلیغ تقابل هزاران ساله اعراب و ایرانیان تأکید، بر ارتجاعی بودن نهاد سلطنت در ایران و تمرکز بر آلت دست غرب بودن شاه ایران از جمله نقاط تقابل دو کشور بودند. در حقیقت مخالفت با نفوذ ایران یکی از عناصر کلیدی سیاست‌های ناصر بود. ناصر با طرح ادعاهای جدی به استان خوزستان، حساسیت امنیتی ایران را به شدت بر می‌انگیخت. (فولر، ۱۳۷۳: ۸۴-۸۳)

در تابستان ۱۳۲۹ هجری شمسی، جمال عبدالناصر در پی نطق تند علیه حکومت محمدرضا شاه دستور قطع روابط سیاسی با تهران را به دلیل هم پیمانی وی با اشغالگران صهیونیست صادر کرد. (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۳) روابط طرفین به مدت ۱۰ سال قطع بود و در این مدت سیاست خارجی ایران و مصر در خلیج فارس و دریای سرخ در تقابل با یکدیگر بود. به دنبال شکست اعراب در جنگ سال ۱۹۶۷ و انتقاد ایران از رژیم صهیونیستی و محکوم کردن اشغال اراضی عربی، روابط دو کشور بهبود یافت و در سال ۱۹۷۰ مجدداً از سر گرفته شد. (جعفرولدانی، ۱۳۸۳: ۱۶۸) با مرگ جمال عبدالناصر و روی کار آمدن انور سادات فرصت مناسبی برای بهبود روابط میان دو کشور فراهم شد انور سادات رئیس جمهور وقت مصر در ۱۱ اکتبر ۱۹۷۰ به تهران سفر کرد در سال ۱۹۷۴ و در پی سفر نخست وزیر مصر به تهران ایران یک وام یک میلیارد دلاری به منظور تعریض کانال سوئز و بازسازی پورت سعید و احداث یک خط لوله نفت از سوئز به پورت سعید در اختیار مصر قرار داد. ایران همچنین در تأسیس بانک توسعه مصر و ایران، تأسیس شرکت نساجی مصر و ایران (میراتکس) و یک شرکت کشتیرانی مشترک ۷/۴۹ میلیون دلار سرمایه گذاری کرد. حدود ۴۶ درصد از میزان سرمایه گذاریهای کشورهای آسیایی در مصر متعلق به ایران بود و سهم ایران در سرمایه گذاری در مصر بیشتر از ژاپن کره جنوبی و هند بود، همچنین واحدهای نیروی دریایی ایران به طور منظم به پورت سعید در کانال سوئز رفت و آمد می‌کردند. (جعفرولدانی، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۶۹) شاه ایران از موافقتنامه ۱۹۷۵ سینا و متعاقب آن قرارداد کمپ دیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی استقبال کرد انور سادات نیز در جریان انقلاب اسلامی همواره از شاه حمایت می‌کرد. (مسعودنیا، ۱۳۹۱: ۱۵۳-۱۵۲) پس از پیروزی انقلاب اسلامی مناسبات دو کشور ایران و مصر مجدداً دچار تنش شد. وقوع انقلاب اسلامی و

چرخش مواضع و دیدگاه‌های ایران در برابر تحولات منطقه ای و بین‌المللی امضای قرارداد کمپ دیوید و سفر شاه مخلوع ایران به مصر باعث تغییر رفتار دو کشور به یکدیگر شد. (احمدزاده، ۱۳۸۲: ۵۰) وقوع انقلاب اسلامی ایران بار دیگر تفاوت نگرش میان رهبران ایران و مصر بر سر مسائل بین‌المللی را به همراه داشت. این مسئله بیش از همه متأثر از سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی و مبتنی بر ماهیت انقلاب اسلامی ایران بود اصول سیاست خارجی ایران و عملکرد نظام جمهوری اسلامی در این حوزه به تحولات گسترده ای در سطح منطقه خاورمیانه و روابط ایران و مصر منجر شد. (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵) انقلاب ایران با محور قرار دادن اسلام در همه ابعاد زندگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی نه فقط عرصه داخلی بلکه فضای روابط خارجی را نیز تحت تأثیر اصول اسلامی قرار داد و بر این اساس رسالت جهانی برای خود متصور شد. مبارزه با مستکبران و دفاع از مظلومان، جهان به شعار محوری انقلاب مبدل شد. در این میان مبارزه با اسرائیل و دفاع از حقوق ملت فلسطین نیز به عنوان یک آرمان و هدف اصلی دنبال گردید. همچنین در عرصه سیاست خارجی نیز استراتژی عدم تعهد فلسفه ذهنی و عینی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و ایران از یک کشور در بلوک غرب فاصله گرفته و شعار نه شرقی و نه غربی را جزئی از اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی معرفی کرد. (الشرقاوی، ۱۳۷۹: ۱۱۰)

در پی انقلاب اسلامی ایران بازتاب‌های گسترده ای در کشورهای منطقه ای نیز در داشت و موجب خیزش جنبش‌های اسلامی گردید. این مسئله که کشورهای منطقه از آن تحت عنوان صدور انقلاب اسلامی نام بردند، روابط ایران و تقریباً تمام کشورهای خاورمیانه تیره کرد و موجب صف آراییی آنها در مقابل انقلاب ایران گردید. در این شرایط مصر که از اواخر دهه ۱۹۷۰م اصول قدیمی امنیت ملی خود، یعنی مقابله با اسرائیل و غرب را کنار گذاشته و تحت رهبری «سادات»، مظهر ثبات و منافع غرب شده بود، انقلاب ایران را تهدیدی برای امنیت ملی مصر تلقی نمود. زیرا با تعارض نگرش سیاست خارجی دو کشور در منطقه و نظام بین‌الملل امکان تداوم همکاری دو کشور ایران و مصر در یک مجموعه امنیتی وابسته به غرب از بین رفته بود و با تغییر سیاست‌های ایران در قبال فلسطین و جنبش‌های اسلامی در منطقه سیاست منطقه ای ایران و مصر نیز

در تقابل با یکدیگر تعریف شده بودند. همچنین صدور انقلاب، ایران تمام دولت‌های محافظه کار ضعیف و ناپایدار عرب را تهدید می‌کرد و موجب تشویق گروه‌های اسلامگرای منطقه و از جمله مصر شده بود این مسائل ایران و مصر را رو در روی یکدیگر قرار داد و روابط دو کشور متزلزل و پرتنش نمود. (مرادی، ۱۳۹۰: ۴)

با تغییر سیاست‌های ایران در قبال فلسطین و جنبش‌های اسلامی در منطقه سیاست منطقه‌ای ایران و مصر نیز در تقابل یکدیگر تعریف شد. این مسئله با تأکید ایران بر قطع رابطه با مصر به دلیل پیمان کمپ دیوید و سپس پیگیری سیاست صدور انقلاب و حمایت از جمهوری اسلامی در مصر و تجلیل از عامل ترور انور سادات، عملاً به اوج رسید و به قطع روابط دو کشور و تشدید تنش در تعاملات آنان منجر شد بر این مبنا عملاً وقوع انقلاب اسلامی ایران به دلیل تغییر هویت نظام سیاسی ایران و تقابل آن با نظام سیاسی حاکم در مصر به تقابل رفتار و عملکرد دو کشور در سیاست خارجی منجر شد و این مسئله نیز به، واگرایی تنش و تعارض در روابط آنان دامن زد. (پندار، ۱۳۸۸: ۳۴۱)

سفر محمدرضا شاه پس از فرار از ایران و پذیرشش توسط مصر و خودداری از تحویل وی همچنین برگزاری مراسم تدفین باشکوه برای محمدرضا شاه پهلوی در مرداد ۱۳۵۹/ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۰، نگاه متفاوت سادات با رویکرد انقلاب ایران و تعلل دوماهه مصر به شناسایی اولیه دولت جمهوری اسلامی، واگذاری پایگاه نظامی به آمریکا برای استفاده از آن در حمله به خاک ایران و کمک مصر به آمریکا در تجاوز نافرجام طبرس برای آزادی گروگانهای آمریکایی در جریان تسخیر سفارت آمریکا در تهران، همچنین همکاری نزدیک به ویژه نظامی آمریکا به مصر، ترور انور سادات و نامگذاری خیابانی به نام شهید خالد اسلامبولی در تهران متهم کردن ایران به حمایت از، تلاش مصر برای ورود به ترتیبات امنیتی خلیج فارس، باعث تغییر رفتار دو کشور به یکدیگر و تشنج مناسبات سیاسی شد. (موسوی و دیگران ۱۳۹۱: ۱۴۹) مجموعه ای از عوامل باعث قطع روابط سیاسی دو کشور شد و تشدید تنش و واگرایی آنها تا جایی پیش رفت که این سردی روابط همچنان پس از چندین سال ادامه دارد. (قلوبی، ۱۳۸۷: ۲۴)

مجموعه ای از عوامل باعث گردید تا اتحاد راهبردی ایران و مصر در دهه ۷۰ به هم ریخته و تا قطع روابط سیاسی دو کشور و تشدید تنش و واگرایی آنها پیش رود تا جایی که این سردی روابط همچنان پس از حدود سه دهه ادامه یافته است. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مصر به طور کامل از عراق حمایت کرد. در این بین قاهره با اعطای مجوز به شهروندان مصری برای سفر به عراق، مصری‌ها داوطلبانه به خدمت ارتش عراق در آمدند و در کنار عراقی‌ها علیه ایران جنگیدند. (انتظار، ۱۹۸۹: ۱۲۱-۱۲۰) پس از پایان جنگ، سیاست ایران مبتنی بر سازندگی بود و از آنجا که برای بازسازی نیاز به برقراری ارتباط با کشورهای عرب منطقه بود، برای نشان دادن حسن نیت تعدادی از اسرای مصری را آزاد کرد. این مسئله با استقبال مصر مواجه شد. روابط میان دو کشور تا حدودی بهبود یافت و در نهایت در سال ۱۳۷۰، دفاتر حافظ منافع دو کشور دوباره راه اندازی شدند. (مسعودنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۶۰)

در دهه ۹۰ میلادی و به ویژه در دوران اصلاحات و به دنبال سیاست تنش زدایی رئیس‌جمهور وقت ایران روابط دو کشور رو به بهبود گذاشت روابط اقتصادی ایران و مصر نیز از پیشرفت قابل توجهی برخوردار شد هیئت‌های اقتصادی متعددی از دو کشور دیدار کردند و توافقهایی نیز برای توسعه همکاری‌های اقتصادی صورت گرفت. شخصیت‌های مختلف فرهنگی، علمی، دینی و سیاسی دو کشور روابط خود را گسترش دادند تا بتوانند زمینه ساز روابط سیاسی مجدد دو کشور شود. در همین دوره دولت مصر از درخواست ایران برای پیوستن به «گروه ۱۵» حمایت کرد و در جلسه‌ای که در خرداد ماه ۱۳۷۹ در قاهره منعقد شد، درخواست ایران علیرغم مخالفت کشورهای آمریکای لاتین که خواستار عضویت کلمبیا به جای ایران در گروه ۱۵ بودند، تصویب شد. خاتمی پس از ۲۰ سال قطع کامل روابط ایران با مصر، در سال ۱۳۸۱ در ژنو با حسنی مبارک، رئیس‌جمهور وقت مصر، دیدار و گفت‌وگو کرد. خاتمی حتی برای تغییر نام خیابان خالد اسلامبولی تلاش‌هایی انجام داد که موفق نشد؛ به‌نحوی که در زمان فعالیت احمدی‌نژاد به‌عنوان شهردار تهران، شورای شهر وقت تهران تصمیم گرفت تا نام خیابان خالد اسلامبولی به انتفاضه تغییر یابد، ولی این تصمیم اجرایی نشد. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۷)

۶. روابط ایران و مصر در دولت های نهم و دهم به ریاست محمود احمدی نژاد

با آغاز به کار دولت نهم از مردادماه سال ۸۴، گسترش روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و توجه بیش از پیش به مناسبات همه جانبه با کشورهای آفریقایی از مهمترین رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعیین شد. این دولت برای بسط روابط همه جانبه با کشورهای آفریقایی ابتکاراتی داشت که از آن جمله تشکیل معاونت آفریقا در وزارت امور خارجه و برخی دیگر از وزارتخانه‌ها از جمله وزارت صنایع بود. همچنین پس از تدوین برنامه میان و بلند مدت راهبردی با آفریقا، اقداماتی برای برگزاری اجلاس سران ایران و آفریقا در تهران در دستور کار قرار گرفت. به همین منظور دولت تعامل مثبت و همسو با کشورهای آفریقایی در سازمان های بین المللی به ویژه در زمینه حقوق بشر، گسترش همکاری‌های بازرگانی و سرمایه‌گذاری، دفاعی و امنیتی و تشدید حضور فرهنگی در جوامع آفریقایی را در لیست امور مهم خود قرار داد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ شهریور ۱۳۸۹)

در این میان دولت احمدی نژاد به صورت گسترده ای خواهان گسترش روابط با مصر بود و اقدامات عملی متعددی نیز در این زمینه صورت داد. در سال ۱۳۸۶، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور اسلامی ایران در کنفرانسی خبری پس از سفر دو روزه خود به امارات و عمان و در پاسخ به خبرنگار الاهرام مصر گفت: «با صراحت اعلام می‌کنم که امروز ما به طور قاطع به دنبال تجدید رابطه با مصر هستیم که اگر دولت مصر اعلام آمادگی کند، تا پایان وقت اداری امروز سفارت ایران را در مصر بر پا خواهیم کرد.» هرچند این صحبت در داخل با واکنش های مثبت و منفی مواجه شد اما نشان از اراده طرف ایرانی برای عادی سازی روابط بود. (بخشی، ۲۷ مهرماه ۱۳۸۹)

پیروزی اخوان المسلمین به رهبری مرسی در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری مصر و استقبال مقامات ایرانی و موضع تلویحی آنها برای برقراری روابط میان دو کشور را به همراه داشت. از زمان سقوط حسنی مبارک تا برکناری مرسی برخی رویدادها باعث شدند تلاش دو کشور به ویژه ایران برای تغییر مناسبات گذشته و تلاش برای ایجاد آینده ای بهتر چندان نتیجه بخش نباشند. با وجود سقوط حکومت مبارک و تغییر رژیم و به قدرت رسیدن اسلام گرایان در آن کشور مواضع مرسی در قبال امنیت خلیج

فارس از تداوم وجود مشکلات در توسعه مناسبات دو کشور حکایت داشتند. همزمان با برگزاری شانزدهمین اجلاس سران غیر متعهدها در تهران و واگذاری ریاست دوره ای اجلاس از مصر به ایران، گمانه زنی‌هایی برای حضور رئیس جمهوری مصر در ایران و استفاده از این فرصت برای بهبود مناسبات طرفین انجام گرفت، اما محمد مرسی صرفاً چند ساعت در تهران حضور داشت و پس از سخنرانی در مراسم افتتاحیه و واگذاری ریاست اجلاس سران غیر متعهدها در دوره جدید به رئیس جمهور وقت ایران بلافاصله تهران را ترک کرد البته در همین زمان اندک نیز اشتباه در ترجمه سخنان وی و استفاده از برخی عبارت‌ها در مراسم افتتاحیه اعتراض و نارضایتی مقامات مصری و ایرانی را به همراه داشت. (سنایی، ۱۳۹۲: ۴۳)

سفر آقای دکتر صالحی وزیر امور خارجه وقت ایران به مصر و دیدار با محمد مرسی و تأکید وی بر دوستی عمیق بین دو کشور و دیدار رئیس مجلس مصر با آقای دکتر لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در حاشیه برگزاری هشتمین دوره اجلاس اتحادیه بین‌المجالس اسلامی از دیگر مواردی بودند که در این مدت میان دوکشور رخ دادند. پس از آن ایران با هدف نزدیک شدن به مصر پیشنهاد داد که قاهره محل مذاکرات هسته‌ای آتی میان ایران و گروه ۵۱ باشد. این پیشنهاد چندان با استقبال مقامات این کشور مواجه نشد. اما سفر احمدی نژاد رئیس جمهور وقت ایران به مصر در بهمن ماه ۱۳۹۱ برای شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی و دیدار با محمد مرسی هرچند که در تاریخ سی ساله روابط دو کشور بی سابقه بود، اما چندان نتوانست تأثیری بر مناسبات دو کشور برجای نهد، البته در حاشیه این سفر نشست سه جانبه‌ای با حضور رؤسای جمهور سه کشور ایران، ترکیه و مصر درباره بحران سوریه برگزار شد. با این حال، اختلاف نظر اساسی میان ایران با کشورهای ترکیه و مصر در خصوص نحوه حل و فصل بحران سوریه مانعی در تداوم این حرکت‌ها بود. در اواخر سال ۱۳۹۱ وزیر گردشگری مصر سفری به ایران داشت و موافقتنامه‌هایی نیز برای تبادل گردشگران به امضای دو طرف رسید. در این راستا ایران برای پیشرفت در این امر به طور یک جانبه به لغو روادید سفر گردشگران مصری به ایران اقدام نمود که باز هم با پاسخ مناسب از سوی مقامات مصری مواجه نشد. در ۱۰ فروردین ماه ۱۳۹۲ اولین گروه از گردشگران

ایرانی وارد مصر شدند و روز بعد نیز پس از ۳۴ سال اولین پرواز مستقیم بین ایران و مصر برقرار شد، به طوری که محافل بین المللی انجام این پرواز را در راستای عادی سازی روابط دو کشور تلقی کردند. (سنایی، ۱۳۹۲: ۱۵)

پس از این نیز مقامات ایرانی سفرهایی به کشور مصر داشته اند که ناشی از به کارگیری دیپلماسی عمومی در کنار سیاست خارجی بوده است و طی آن موافقت نامه هایی برای همکاری دوجانبه امضا شده است که آخرین نمونه آن امضا توافق نامه های همکاری هوایی می باشد که بر اساس آن پروازهای منظمی در حدود ۲۸ پرواز در هفته بین دو کشور انجام خواهند داد. که می توان از آن به عنوان "دیپلماسی گردشگری" یاد کرد. (بخشی، ۲۷ مهرماه ۱۳۸۹)

با وجود آنکه در هشت سال ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تلاش زیادی برای گسترش روابط ایران و مصر صورت گرفت و اقداماتی عملی نیز برای شکل گرفتن آن انجام شد، اما این تحرکات در حوزه اقتصادی نمود چندانی نداشت و با وجود ظرفیت های گسترده مبادلات تجاری دو کشور، اتفاق قابل ملاحظه ای در این حوزه صورت نگرفت و بواسطه ادامه قطع روابط سیاسی در حوزه اقتصادی نیز روابط دو کشور تحولی را تجربه نکرد. نگاه امنیتی به روابط دوجانبه، یکی از موانع اصلی در توسعه روابط اقتصادی، تجاری و بازرگانی میان ایران و مصر به شمار می رود که تاثیر خود را نیز در هشت سال فعالیت دولت های نهم و دهم بر آمارهای صادرات به مصر و واردات از این کشور به خوبی نمایان کرده است.

جدول شماره: ۱ (ارقام به هزار دلار است)

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
صادرات	۱۷۷۰۰	۹۳۰۰۰	۴۳۹۰۰	۲۵۷۰۰	۳۸۸۰۰	۵۹۷۰۰	۳۴۵۰۰۰
واردات	۱۱۵۰۰	۱۲۰۰۰	۴۷۶۰۰	۳۲۶۰۰	۴۷۰۰۰	۵۷۰۰۰	۴۹۶۰۰

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران



در این دوران محصولاتی مانند سنگ گرانتیت، پسته، قیر، میوه به مصر صادر و محصولاتی مانند پرتغال، توتون و تنباکو از این کشور وارد می‌شد. سرنگونی مبارک و روی کار آمدن اخوان المسلمین به رهبری مرسی در تیرماه سال ۱۳۹۱ و در اواخر دولت دهم به ریاست محمود احمدی‌نژاد نیز نتوانست روابط ایران و مصر را به نوعی تغییر دهد و موانع بر سر راه گسترش مراودات دوجانبه بخصوص در حوزه صادرات و واردات برجای خود باقی ماند. (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۹ بهمن ۱۳۹۱) با این حال برداشتن ویزا برای بازرگانان و گردشگران مصری زمینه‌ای را فراهم کرد که به یکباره تاثیر خود را بر مراودات تجاری دو کشور گذاشت. بطوریکه پس از این اقدام به نوعی جهش روابط تجاری ایران و مصر قابل رویت است. آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران از رشد حدوداً ۱۵۰۰ صادرات ایران به مصر در ۱۰ ماهه سال ۱۳۹۱ درصدی حکایت داشت (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۰ بهمن ۱۳۹۱) تحولی که باعث شد روابط ایران و مصر در آستانه تشکیل دولت یازدهم، شکل جدیدی به خود بگیرد.

۷. روابط ایران و مصر در دولت های یازدهم و دوازدهم به ریاست حسن روحانی

با روی کار آمدن دولت یازدهم، گفتمان اعتدال گرایی در مقام رویکرد حاکم بر سیاست خارجی ایران پدیدار شد. مهمترین شاخص گفتمان اعتدال گرایی در سیاست خارجی را می‌توان تعادل و توازن بین دو عنصر اساسی واقع گرایی و آرمان گرایی یا به بیان دیگر واقع بینی و آرمان خواهی تلقی و تعریف کرد. در واقع، افزایش تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن موجب شد گفتمان‌های رقیب اصولگرایی با دستورکار «تغییر»، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ را فرصت مناسبی برای به حاشیه راندن گفتمان اصولگرایان قلمداد کنند. در این راستا، دولت یازدهم در پی تلقی دو عنصر «رفع تهدید» و «کسب منفعت» به عنوان ویژگی های سیاست خارجی خوب که همان سیاست خارجی توسعه گرا است، اقدام نمودند. لذا اعتدال گرایی دغدغه های ایدئولوژیک را مانع اتخاذ چنین سیاست خارجی توصیف می‌کند. رئیس دولت اعتدال نیز ضمن تعبیر اعتدال به «آرمان‌خواهی واقع بینانه»، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی را نه، تسلیم ستیز و تقابل بلکه تعامل مؤثر و سازنده با جهان عنوان نمود. (کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۹: ۲۲۸) اما با وجود این ویژگی در سیاست خارجی دولت‌های یازدهم و

دوازدهم به ریاست حسن روحانی او پس از به قدرت رسیدن، حل مشکلات کشور از طریق توافق با غرب را برای حل مسائل مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌ها در اولویت قرار داد و با وجود آنکه رئیس دولت همواره در دیدارها و سخنرانی‌ها، آفریقا را در اولویت سیاست خارجی دولت خود معرفی می‌کرد، اما عملاً برای گسترش روابط با آفریقا تلاش بسیار کمی صورت داد و عملاً آفریقا در دولت‌های او به فراموشی سپرده شد. (موسسه خاورمیانه، ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱)

۲۰۹

البته شاید روابط ایران و مصر در دوران دولت‌های یازدهم و دوازدهم بواسطه مسائل و مشکلات برجای مانده در طول ۳۰ سال گذشته، به عوامل و مسائل دیگر بستگی داشت و حتی در صورت تمایل دولت روحانی به توسعه روابط با مصر امکان زیادی برای آن وجود نداشت. اما زمینه سازی‌های دولت احمدی نژاد برای گسترش روابط با مصر، به نوعی تأثیرات خود را در دولت روحانی برجای گذاشت و این مسئله در سال ۱۳۹۲ و با شروع به کار دولت یازدهم شکل بهتری به خود گرفت. بطوریکه که حجم صادرات جمهوری اسلامی ایران به مصر در سال ابتدایی دولت یازدهم با رشدی یکصد درصدی مواجه شد و به بیش از ششصد میلیون دلار رسید.

جدول شماره: ۲ (ارقام به هزار دلار است)

سال	۱۳۹	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
صادرات	۶۱۰۰	۵۱۰۰۰۰	۳۱۰۰۰۰	۲۵۱۰۰۰	۲۳۲۰۰۰	۲۱۵۰۰۰	۴۴۰۰	۵۵۰۰	۸۰۰۰
ورادات	۷۲۰۰	۱۴۵۰۰	۵۲۰۰	۵۴۰۰	۶۸۰۰	۳۰۰۰	۲۵۰۰	۳۸۰۰	۳۵۰۰

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

همانطوره از جدول شماره ۲ مشخص است بعد از اقدامات صورت گرفته در دولت دهم و رفت و آمدهای دیپلماتیک، تأثیر مثبتی بر حجم صادرات ایران به مصر گذاشت و افزوده شدن محصولاتی مانند پروپان مایع شده، متانول، گاز بوتان و میوه خشک شده به سبب صادراتی ایران به مصر به جهش آن منجر شد. اما سه عامل مانع از ادامه این روند شد. کودتای نظامیان و سرنگونی دولت مرسی، حمله به سفارت عربستان در تهران



و روی کارآمدن ترامپ در آمریکا و تلاش وی برای تشکیل ناتوی عربی با حضور مصر علیه ایران از جمله دلایلی بودند که تاثیر خود را بر روابط ایران مصر بخصوص در حوزه اقتصادی گذاشتند و همانطور که از جدول ۲ مشخص است، در انتهای دهه ۹۰ شمسی روابط اقتصادی تقریبا به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. هرچند خروج مصر از ائتلاف ناتوی عربی نشان داد که مصر با وجود برخی مسائل و مشکلات با ایران تمایل چندانی به حضور در ائتلافی که به تنش بیشتر با ایران منجر می‌شود، ندارد.

اقتصاد مصر اقتصاد شکننده‌ای است. مخصوصا احداث سد النهضة از سوی اتیوپی بر روی رود نیل خطر جدی تلقی می‌شود و جریان آب رود نیل به دلیل احداث سد به این کشور به شدت کاهش پیدا کرده و این برای کشاورزی مصر که تقریبا یک سوم درآمد‌های ملی این کشور را تشکیل می‌دهد، بسیار خطرناک است. به همین دلیل مصر تلاش می‌کند تنش‌های خود را در منطقه کاهش دهد و از ظرفیت ایران هم برای تقابل با اتیوپی استفاده کند. قاهره در صدد است که یک نوع تعادل را در رفتار خودش با تهران ایجاد کند. (هانی زاده، ۲۷ تیرماه ۱۴۰۰) در این میان همکاری نظامی ایران و

اتیوپی بخصوص در حوزه پهپادی توجه مصر را به ایران بیشتر جلب کرده است. گزارش نشریاتی مانند نیویورک تایمز نشان می‌دهد که دولت اتیوپی با استفاده از پهپادهای ایرانی توفیقاتی را در مقابله با شورشیان این کشور داشته است و حتی پس از آن وزارت خزانه‌داری آمریکا هم علنا این موضوع را تایید و تحریم‌های تازه‌ای را علیه برنامه پهپادی ایران اعمال کرد. (دیپلماسی ایرانی، ۲۴ آذر ۱۴۰۱)

البته پالس‌های مثبتی از طرف مصری مثل دعوت از حجت‌الاسلام حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت کشورمان برای حضور در مراسم تحلیف ژنرال السیسی رئیس‌جمهور این کشور فرستاده شد که البته حسین امیرعبداللهیان، معاون وقت عربی و آفریقای وزیر امور خارجه در مراسم تحلیف، عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور منتخب مصر شرکت کرد. این افتان و خیزان در روابط قطع شده ادامه داشت تا اینکه ۲۱ تیر ۱۴۰۰ سایت «العربیه جدید» اعلام کرد که مقامات امنیتی ایران و مصر در قاهره با یکدیگر گفتگو و مذاکره کردند. به گفته این رسانه عربی مهم‌ترین موضوعی که در آخرین دیدار مقامات امنیتی دو کشور بررسی شده پرونده یمن و مسائل مرتبط با آن و

از همه مهم‌تر امنیت دریانوردی در تنگه باب المندب بوده است. (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۵ اردیبهشت، ۱۴۰۱)

نتیجه‌گیری

تحولات تاریخی بخصوص در ۳۰ سال گذشته نشان داده است، ایران و مصر بیشتر یک نگاه امنیتی-ژئوپلیتیکی به یکدیگر دارند. جمهوری اسلامی ایران، مصر و روابط با این کشور را گامی برای نزدیکی به شمال آفریقا، غزه و فلسطین می‌داند که اسرائیل و مصر با این مسئله مشکل دارند. از طرفی، مصر، ایران را به عنوان کشور مهمی در خلیج فارس در نظر گرفته که می‌تواند در ایجاد موازنه با عربستان برای مصر اهمیت داشته باشد. لذا، تا زمانی که مسئله امنیتی و ژئوپلیتیکی در روابط دو کشور تثبیت و یا حل نشده است، امکان همکاری‌های گسترده میان دو کشور چندان قابل توجه نخواهد بود.

با نگاهی کوتاه به روابط ایران و مصر در دو مقطع دولت‌های نهم و دهم به ریاست محمود احمدی‌نژاد و دولت‌های یازدهم و دوازدهم به ریاست حسن روحانی، این‌طور به نظر می‌رسد که تلاش‌های قابل توجهی از سوی احمدی‌نژاد برای بازسازی روابط با مصر صورت گرفت و در این چارچوب برنامه‌هایی نیز به مرحله عمل درآمد که نتیجه آن جهش صادرات ایران به مصر در سال پایانی دولت دهم و باقی ماندن اثرات آن در دولت یازدهم بود. اما بروز برخی حاشیه‌ها در ارائه دیدگاه‌هایی درخصوص منشاء شکل‌گیری قیام‌های مردمی در کشورهایمانند مصر، مانع از آن شد که او در رسیدن به برنامه توسعه مناسبات همه‌جانبه ایران با کشورهای آفریقایی مانند مصر به نتیجه مطلوب برسد، هرچند همین نگاه نیز از سوی حسن روحانی تکرار نشد و توجه ویژه دولت‌های او به حل مسئله هسته‌ای و ارتباط با غرب، روابط با آفریقا و کشورهای مهمی مانند مصر را به حاشیه راند.

در نگاهی کلی به ظرفیت‌های همکاری‌های ایران و مصر، سرمایه‌گذاری‌های مشترک ایران و مصر برای توسعه همکاری‌ها لازم و ضروری است. اما مسئله، تمایلی است که برای این مهم نیاز است و در شرایط کنونی دستیابی به این تمایل از مقامات هر دو کشور چندان قابل دسترس نیست. مصر به صورت سنتی با وجود آنکه بازیگر مهمی در جهان اسلام به شمار می‌رود و دانشگاه الازهر جایگاهی ویژه در جهان اسلام دارد، اما به

دلیل دیدگاه‌های سکولاریستی نظامیان حاکم بر این کشور تلاش می‌کند بازیگری سیاسی در منطقه باشد و بیشتر در زمینه ارتباط با کشورهای عربی فعالیت کند. با توجه به نکات ارائه شده بخصوص ظرفیت های همکاری‌های ایران و مصر، نگاه اجمالی به تاریخ روابط دوکشور و مسائلی که میان ایران و مصر وجود دارد، برای ارائه راهبردی مشخص برای ارتقاء روابط فی‌مابین از طریق روش تحلیل سوات (SWOT)، نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این روابط مورد توجه قرار گرفت تا زمینه برای ارائه راهبردها فراهم شود.

جدول شماره: ۳

داخلی	خارجی
<p>قوت‌ها:</p> <p>۱- روابط تاریخی و تمدنی ایران و مصر</p> <p>۲- اسلام به عنوان دین قالب دو کشور</p> <p>۳- دو کشور به‌عنوان کشورهای مهم و قابل اتکای منطقه‌ای</p> <p>۴- اسرائیل به عنوان دشمن مشترک</p> <p>۵- دو کشور به عنوان دارندگان زمینه‌های مهم گردشگری</p> <p>۶- گرایش زمینه‌ای برخی احزاب و گروه‌های سیاسی مصری به انقلاب اسلامی</p> <p>۷- امکان تاسیس نیروگاه‌های برق آبی در حوزه رود نیل با توجه به سابقه مثبت شرکت های ایرانی در کشورهایمانند کنیا</p> <p>۸- زمینه‌های گسترده برای همکاری‌های گسترده آموزشی و دانشگاهی بخصوص با توجه به ارتباطات تاریخی الازهر با حوزه علمیه قم</p>	<p>فرصت‌ها:</p> <p>۱- زمینه‌ها و اشتراکات تاریخی ایران و مصر</p> <p>۲- وجود دشمنان مشترک بخصوص رژیم صهیونیستی</p> <p>۳- توانایی فنی و دانشی شرکت‌های ایرانی ارائه خدمات فنی- مهندسی و اجرای طرح‌های صنعتی</p> <p>۴- جمعیت ۱۰۰ میلیونی مصر بازار مناسبی برای تولیدات ایرانی است.</p> <p>۵- جمعیت ۱۰۰ میلیونی مصر زمینه مناسبی برای حضور در حوزه توریستی ایران بخصوص توریسم درمانی و توریسم مذهبی هست.</p> <p>۶- وجود دانشگاه‌های و موسسات معتبر بخصوص دانشگاه الازهر و امکان همکاری‌های دانشگاهی و حوزوی</p> <p>۷- حضور سلسله فاطمیون و زمینه‌های فعالیت شیعیان در مصر</p> <p>۸- نیازمندی‌های مصر در حوزه محصولات پتروشیمی</p>

ضعف‌ها:	تهدیدها:
۱- فقدان روابط دیپلماتیک میان ایران و مصر در چارچوب سفارتخانه و عدم فعالیت نهادهای ایرانی در مصر	۱- در غیاب روابط رسمی ایران و مصر، اسرائیل با مصر روابط رسمی دارد
۲- تاثیر آمریکا و عربستان بر روابط ایران و مصر به دلیل حمایت‌های مالی از این کشور	۲- تبلیغات ضد شیعی در سال‌های اخیر در مصر
۳- رقابت دو کشور در منطقه غرب آسیا و کشورهای اسلامی بر سر در اختیار گرفتن حوزه‌های راهبردی نفوذ	۳- فعالیت برخی گروه‌های سلفی در مصر
۴- حمایت ایران از اخوان المسلمین و عوامل ترور انور سادات رئیس جمهور سابق مصر و وجود خیابانی به نام خالد اسلامبولی مسئول ترور سادات در تهران	۴- همکاری‌های گسترده مصر با آمریکا بخصوص در حوزه نظامی
۵- وجود مقبره شاه معزول ایران در قاهره و خیابانی در این شهر به نام او	۵- حمایت مصر از ادعای مالکیت امارات در خصوص جزایر سه گانه ایرانی
۶- نقش مصر به عنوان میزبان دبیرخانه اتحادیه عرب و موضع‌گیری‌های ضد ایرانی این اتحادیه	۶- حضور مصر در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای با رویکرد مقابله با ایران و برگزاری رزمایش‌های مشترک نظامی مصر و کشورهای عربی
۷- فقدان راهبر کلان مشخص در دستگاه دیپلماسی و سایر دستگاه‌های فعال در خارج از کشور برای همکاری با کشورهایی مانند مصر	
۸- رویکرد سکولاریستی نظامیان حاکم بر مصر	

منبع: نویسندگان

راهکارها

پس از احصاء داده‌های ارائه شده مربوط به نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در جدول شماره ۹، تلاش شد تا براساس روش تحلیل (SWOT)، ۴ راهبرد نیز مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به نقاط قوت روابط ایران و مصر و فرصت‌های موجود در این کشورها، راهبرد تهاجمی مورد بررسی قرار گرفت. به عنوان مثال با توجه به بند ۱ نقاط قوت و بند ۱ فرصت‌ها راهبرد بهره‌گیری روابط تاریخی و فرهنگی برای از سرگیری روابط سیاسی مطرح می‌شود. همچنین با توجه به نقاط قوت و تهدیدها، راهبرد رقابتی یا تنوع بخشی مورد بررسی قرار گرفت. به عنوان مثال با توجه به بند ۴ نقاط قوت و بند ۱ تهدیدها راهبرد بهره‌گیری از نگاه ضد اسرائیلی مردمی و دشمنی تاریخی آنها با رژیم صهیونیستی بخصوص خاطرات بد آنها از جنگ شش روزه جهت تضعیف روابط مصر و اسرائیل مطرح می‌شود. در خصوص راهبرد واکنشی نیز که از

ترکیب فرصت‌ها و نقاط ضعف احصاء می‌شود، به همین صورت اقدام شد. به عنوان مثال با توجه به بند ۷ نقاط ضعف و بند ۳ و ۵ فرصت‌ها، ایجاد راهبردی کلان برای فعالیت دستگاه‌های فعال در حوزه خارجی برای هم‌افزایی و ایجاد زمینه‌های گسترش صادرات محصولات ایرانی به کشورهایمانند مصر مطرح شد. در نهایت نیز از ترکیب نقاط ضعف و تهدیدها، راهبرد تدافعی مورد توجه قرار گرفت. به عنوان مثال با توجه به بند ۳ نقاط ضعف و بند ۶ تهدیدها، راهبرد ایجاد سازوکاری برای همکاری‌های دو جانبه و منطقه‌ای مطرح شد.

جدول شماره: ۴

فرصت‌ها (O)	تهدیدها (T)
<p><u>راهبرد تهاجمی (SO):</u></p> <p>۱- بهره‌گیری از روابط تاریخی و فرهنگی برای از سرگیری روابط سیاسی</p> <p>۲- صادرات کالا به مصر بخصوص در حوزه کشاورزی و پتروشیمی</p> <p>۳- ایجاد بسترهای مناسب برای اعزام و پذیرش گردشگر از مصر برای از بین بردن نگاه امنیتی به روابط دوجانبه</p> <p>۴- ایجاد مکانیسمی مناسب برای صادرات خدمات فنی و مهندسی و اجرای طرح‌های صنعتی در مصر</p> <p>۵- ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری‌های دانشگاهی و حوزوی و فراهم آوردن زمینه‌های گفتگوهای علمی و فرهنگی میان نخبگان دو کشور</p>	<p><u>راهبرد رقابتی یا تنوع بخشی (ST):</u></p> <p>۱- راهبرد بهره‌گیری از نگاه ضد اسرائیلی مردمی و دشمنی تاریخی آنها با رژیم صهیونیستی بخصوص خاطرات بد آنها از جنگ شش روزه جهت تضعیف روابط مصر و اسرائیل</p> <p>۲- بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی مانند برگزاری کنفرانس‌ها، محافل ادبی و مراودات علمی برای خنثی سازی نگاه امنیتی به روابط دو جانبه</p> <p>۳- بهره‌گیری از ابزار رسانه‌ای و آموزشی - دانشگاهی برای مثبت سازی مناسبات با ایران</p> <p>۴- ایجاد مکانیزم‌های لازم برای شکل‌گیری همکاری‌های دو کشور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی</p> <p>۵- فراهم سازی مراودات ورزشی در حوزه اعزام تیم‌های ملی و فعالیت ورزشکاران و مربیان در دو کشور</p>
فرصت‌ها (O)	تهدیدها (T)

راهبرد واکنشی یا بازنگری (WO)	راهبرد تدافعی (WT)
<p>۱- تدوین برنامه کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت برای برقراری روابط و استمرار آن</p> <p>۲- ایجاد بسترهای لازم برای حمایت دولت از حضور و گسترش فعالیت بخش خصوصی در حوزه شمال آفریقا، بخصوص مصر</p> <p>۳- ایجاد سازوکار لازم برای همکاری، هماهنگی و همراهی همه دستگاه‌های متولی حضور در عرصه خارجی</p> <p>۴- ایجاد بسترهای لازم برای افزایش شناخت از ظرفیت‌های موجود در مصر برای افزایش بازرگانان و بخش صنعتی</p>	<p>۱- ایجاد سازوکار برای همکاری‌های چند جانبه</p> <p>۲- ایجاد زمینه‌های راهبردی برای حل اختلافات شیعه و سنی</p> <p>۳- تلاش برای ایجاد و تقویت نهادهای ایرانی در مصر با زمینه سازی برای برقراری روابط دوجانبه</p>

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

با توجه به تحلیل و بررسی روابط ایران و مصر از طریق روش سوات، به عقیده نگارنده راهبرد رقابتی یا تنوع بخشی (ST) در زمینه برقراری و حل مشکلات روابط ایران و مصر قابل طرح است. با توجه به نقاط قوت موجود در سوابق تاریخی و همچنین تهدیدهای که می‌توانند این روابط را به خطر روبرو کنند، راهبرد مذکور می‌تواند زمینه برای بهره‌گیری از فرصت‌های موجود جهت همکاری‌های گسترده و شکل‌گیری تصویر مثبت ایران در افکار عمومی مصر را فراهم آورد. با توجه به دیدگاه نظریه سازه‌انگاری، هویت اسلامی ایران و مصر و شاخصه‌های مانند تفکرات ضد اسرائیلی مردم دو کشور زمینه‌های مشترک را فراهم می‌کند. این راهبرد می‌تواند زمینه نزدیک شدن معانی بین-الاذهانی در فرهنگ مردمی ایران و مصر را برای نزدیک شدن دو کشور را بوجود آورد و در عین حال نقش شاخصه‌های فرهنگی را در بسترسازی برای شکل‌گیری روابطی معقول و متوازن پررنگ‌تر کند.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۹)، «نظام بین‌الملل معاصر و فرازو نشیب‌های روابط ایران و مصر»، مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره ۲
- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶)، روش تحلیل راهبردی (SWOT)، فصلنامه حصون، شماره ۱۳، قم، صص ۵۷-۳۹
- ادریس، محمد سعید (۲۰۰۲)، «تطوير العلاقات المصرية الإيرانية، القاهرة»، الاهرام اسکاچپول. تدا، «دولت تحصیلدار و اسلام شیعه در انقلاب ایران»، در: فراتی، عبدالوهاب، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، قم: انتشارات معارف، ۱۳۷۹.
- امام‌جمعه زاده، سید جواد و امیر حشمتی (۱۳۹۳)، «دولت - ملت ناکام در مصر»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال پنجم، شماره ۳۷، صص ۱۴۷-۱۱۹
- پندار، محمدحسین (۱۳۸۸)، «روابط سیاسی ایران و مصر از سلطنت پهلوی تاکنون»، فصلنامه پانزده خرداد، سال ششم، شماره ۲۰
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۵)، «دولت عمیق نظامیان و کودتای جامعه مدنی در مصر (با تأکید بر تحولات سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۱)»، مطالعات سیاسی جهان اسلامی، شماره ۱۸، صص ۷۴-۵۳
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۳)، «ایران و مصر؛ دیدگاه‌های متعارض»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۷۵ تا ۱
- خسروشاهی، هادی (۱۳۸۷)، «ایران و مصر در راه تقریب»، فصلنامه اندیشه تقریب، سال دوم، شماره ششم
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۸)، ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل در روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
- روستایی، محمدتقی (۱۳۹۷)، «جنبش اخوان المسلمین مصر؛ از قدرت‌یابی تا زوال سیاسی»، فصلنامه جریان شناسی دینی معرفتی، شماره ۲۱، صص ۱۱۲-۸۹
- سمیعی، علیرضا و حوزیه دهقان (۱۳۹۳)، «ناکامی دولت اخوان المسلمین پس از انقلاب ۲۰۱۱ مصر»، پویا، سال نهم، شماره ۷۲
- سنائی، اردشیر (۱۳۸۹)، «اصول روابط بین‌الملل (ب) تجزیه و تحلیل سیاست خارجی». تهران: نشر طراوت الشرقاوی، باکینام (۱۳۷۹)، «روابط ایران و مصر»، ترجمه سید محمود یجنوردی، مطالعات خاورمیانه، شماره ۴، صص ۱۲۶-۱۰۱
- شعبان، عبدالحسین (۲۰۱۲)، «تونس-مصر: أسئلة ما بعد الانتفاضة»، مرکز دراسات الوحدة العربیة، صص ۴۷-۵۴، بیروت
- صبری، محمد (۱۴۱۷)، «تاریخ مصر (من محمد علی الی العصر جدید)»، قاهره: مکتبه مدبولی

طباخی ممقانی، جواد (۱۳۹۳)، «تحلیل هویتی ریشه‌های پیدایی تحولات سیاسی ۲۰۱۱ مصر بر مبنای الگوی امنیت هستی‌شناختی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۵۲-۸۵

عسگرخانی، ابومحمد و جهانشیر منصوری (۱۳۸۹)، «همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل؛ نگاهی به نظریه سازه‌انگاره الکساندر ونت» فصلنامه سیاست، شماره ۴

عطیه، عامر (۲۰۱۸)، «تاریخ الادب المقارن فی مصر»، مجله الفصول، رقم ۳-۴، قاهره
علیشاهی، عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۹)، «گذار به موج دوم انقلاب: تجزیه و تحلیلی بر عملکرد دولت اقتدارگرای عبدالفتاح السیسی در مصر پسا مرسی»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۳۵، صص ۷۳-۹۶

علیزاده، حسین (۱۳۸۷)، «بررسی تحلیلی و توصیفی تاریخ روابط ایران و مصر»، تهران، وزارت امور خارجه

فولر، گراهام (۱۳۷۵)، «قبله عالم- ژئوپلتیک ایران»، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز
قلوبی، جواد، (۱۳۸۷)، «نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی در مناسبات سیاسی ایران و مصر»، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۸، صص ۲ تا ۵۲.

کشیشیان سیرکی، گارینه و رضا علی اکبرپور (۱۳۹۹)، «تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در دولت یازدهم: (خوانشی بر واکنش عربستان بر آن)»، فصلنامه علمی سیاست جهان، دوره نهم، شماره اول، پیاپی ۳۱، صص ۲۶۶-۲۲۷

گراوند، مجتبی و دیگران (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی عوامل کامیابی اسلام‌گرایان ایران و مصر و ناکامی همتایان مصری در حفظ قدرت سیاسی پس از انقلاب»، نامه انقلاب، شماره ۱۰
محمدی، مصطفی (۱۳۹۳)، «تأثیرات بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا بر امنیت ملی ج.ا.ایران» دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، تهران، شماره چهارم

مرادپور، امیر و علی‌رضا نایج (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر زمینه‌های سیاسی - اجتماعی ناکامی محمد مرسی و موفقیت کودتای سیسی در مصر»، فصلنامه سپهر سیاست، شماره ۱۸، صص ۱۴۶-۱۲۵

مرادی، عبد... (۱۳۹۰)، «جایگاه سیاسی جمهوری اسلامی ایران در فضای بین‌الذلهانی و پسا انقلابی خاورمیانه عربی»، «دو فصلنامه بیداری اسلامی»، تهران، شماره پنجم

مسعودنیا، حسین و ندا سعیدی چیزانی (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل سقوط رژیم حسنی مبارک و چشم انداز تحولات کشور مصر»، دانش سیاسی، پیاپی ۱۵، صص ۱۹۴-۱۶۳

مظاهری، محمدمهدی و احمدزاده، داود (۱۳۸۸)، «بررسی چالش‌های ساختاری در روابط مصر و ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۵۵ تا ۱۷

موسوی، محمد؛ حسینعلی توتی و محمدرضا موسوی (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیکی مصر»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۴، ص ۱۴۵ تا ۱۶۴.

هادیان. ناصر (۱۳۸۲)، «سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی». فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴

هاشمی، سیدحمید (۱۳۸۶)، «از سرگیری روابط ایران و مصر، آسیب‌ها و فرصت‌های پیش‌رو»، نگاه حوزه، شماره ۲۲۷

Adler, Emanuel (1997). "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics". *European Journal of International Relation*

cia.gov (2022). *the-world-factbook/countries/egypt/summaries*

Dougherty, James E. and Robert L. Pfaltzgraff (2001). *Contending Theories of International Relation: A Comprehensive Survey*, New York, Longman.

Entesar, Nader (1989). *Egypt and the Persian Gulf, Conflict*, Vol 9

Folker, Jenifer (2000). "Constructivism and Neoliberal institutionalism compared" *International Studies*

Guzzini, Stefano (2005). "The concept of power, a constructivist Analysis", *Millennium Journal of International Studies*, 33, at: <http://www.Sagepubli>

Karimifard, Hussein (2012). "Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", *Asian Social Science*, Vol. 8, No. 2

McIntosh, Janet (1997). *Cognition and Power, of an Thropology*, Michigan: University of Michigan.

Saba, Yousef and Malaika Tapper (2022). "Egypt's economy to grow 5% in 2021-22 as rebound continues: Reuters survey", Reuters

Smith, Steve (2001). "Foreign Policy is What States Make of it: Social Construction and International Relations Theory", in: V. Kubalkova and Armonk M.E. Sharpe (Ed.), *Foreign Policy in a Constructed World*, International Relations

Wendt, Alexander (1987). "The Agent-Structure Problem in International Relations Theory", *International Organization*, Vol.41, No.3.

Wendt, Alexander (1994). "Anarchy is What States Make of it", *International Organization*, Vol. 46, No.2.

Wilmer, Franek (2002). *the Social Construction of Man, the State and War: Identity, Conflict and Violence in the Former Yugoslavia*, London: Routledge

۲۱۸



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی چهل

و هفت، زمستان

۱۴۰۱